

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

جبار زمانی

۲۹ اگست ۲۰۱۱

مکتبی بر نوشته آقای "احمد شاه وردک"

به ارتباط انتقاد شان از آقای "آزاد. ل"

آقای وردک صاحب، در نوشته ای که در انتقاد از آقای "آزاد. ل" ترتیب داده بودید چند موضوعی توجهم را جلب کرد و بنا براین خواستم چند سطر خدمت تان تقدیم بدارم.

نوشته اید که "اولاً خوددین و موجودیت خداوند و رسولانش یک مسأله بغرنج و پیچیده است". من با شما در این موافق هستم که اثبات وجود خداوند یک مسأله بغرنج است اما به این موافق نیستم که ما چیزهای دیگری را هم کنار خداوند بگذاریم و آنان را هم بغرنج قلمداد کنیم و در نتیجه نباید در باره اش حرف بزنیم. من کاملاً معتقدم که ثبوت درستی و نادرستی دین و یا باورهای سیاسی آدمها، بسیار ساده تر از آن است که اکثریت مردم تصور می کنند.

برای ثبوت درستی و نادرستی ادیان اسناد و مدارک فراوانی موجود است. هر انسانی که خواسته باشد درستی و یا نادرستی دین را دریابد با یک تحقیقات، نه چندان عمیق، در مورد ادیان می تواند حقیقت را دریابد. اما اگر بخواهد موجودیت خداوند را برای خود ثابت کند، در آن صورت من هم به این عقیده هستم، که به کاری "بغرنجی" دست می زند.

نکته دیگری را که یادآور شده اید این است که: "اگر دین نباشد و عقیده به روز جزاء و پاداش نباشد پس از انسان کرده هر حیوان دیگر خوبتر است. عدم عقیده به روز جزاء و پاداش، شمشیر برنده به دست ظالمان می دهد، تا خلق را بیشتر استثمار نمایند"

این موضوع بیشتر از نکات دیگر برایم جالب بود.

نخست باید خدمت تان به عرض برسانم که من در این جا قصد آن را ندارم که غلطی و یا درستی دین را ثبوت نمایم. اما به این معتقد هستم که ترس از روز جزا و دوزخ تا امروز هیچ تاثیری در عمل کرد های اکثریت انسانها نداشته است. و آن به این دلیل است که "ما" راه های فرار از مجازات دوزخ را برای خود درست کرده ایم.

آیا شما گلبدین، ربانی، ملا عمر و خمینی و دیگر برادران شان را آدم های دیندار قبول ندارید؟
ماشاء الله ترس این آقایان از روز جزا کاملاً آشکار است و ضرورت به توضیح ندارد. اما دلیل اینکه چرا این آقایان، با آنکه دیندار هستند، باز هم مرتکب این همه جنایات شده و هنوز هم می شوند، را در ادامه همین قسمت خدمت تان ارایه می دارم.

قسمیکه همه می دانیم که بیشترین قربانیان جنگهای داخلی این آقایان، کسانی بوده اند که به همان دین خود شان باورمند بوده اند. یعنی این آقایان بیشتر از هر کسی دیگر، برادران و خواهران دینی خود را به قتل رسانیده اند. آیا هنوز هم می توان ادعا کرد که اگر ترس از دین و مجازات دوزخ نباشد آدم ها بدتر از حیوانات عمل خواهند کرد؟

من فکر نمی کنم که کسی بتواند این ادعا را بکند که خونریزی های دوران "پادشاهی" مجاهدین را افراد غیر دینی به عهده داشتند.

و یا جنایات "حزب الله" ایران را هم مربوط به کسانی بدانید که به دین عقیده ندارند. و یا کشتار بی گناهان به وسیله بمب های انتحاری "برادران عربی القاعده" را هم به دوش بی دینان بیندازیم.

و یا بمب گذاری "برادران شیعه" در مسجد های "برادران سنی" و عکس آن را عمل بی دینان قلمداد کنیم.
این "برادران" اگر واقعاً ترس از روز مجازات (قیامت و دوزخ) می داشتند هیچ گاه محلی را که صد در صد مطمئن هستند که کتاب مقدس شان در آن جا است، بمب گذاری نمی کردند. (بگذریم از کشتار صد ها هزار زن و مرد و طفل بیچاره و معصوم).

ما فقط زمانی می توانیم تیوریهای ترس از مجازات روز محاسبه (قیامت) را موفق بدانیم که راه های فراری برای آن نداشته باشیم. فقط در این صورت امکان دارد که آدم ها دینی یک کمی متوجه اعمال خود بشوند و از روز جزاء وحشت داشته باشند.

اما قسمیکه در کتابهای بسیار معتبر دینی می خوانیم که این امکان وجود دارد که هیچ فرد دیندار (مسلمان) به دوزخ نرود. من مطمئن هستم (اکثریت علماء و رهبران دینی) از این موضوع اطلاع کامل دارند و بنا بر همین دلایل هیچ ترسی از روز جزاء ندارند. و لذا امکان دارد که تعداد زیادی از آدمهایی که ادعا دارند دیندار هستند دست به کار های زشتی بزنند. مثال های آنرا در وجود تعداد زیادی از رهبران کشور های اسلامی می بینیم.
در کشور خود ما از این نوع مثال ها زیاد موجود است که ضرورت به ذکر ندارند چون اکثریت مردم ما از جریانات سه دهه اخیر اطلاع کامل دارند.

حالا توجه کنید به راه های "فرار" از مجازات دوزخ و روز محاسبه و قیامت:

"و نیز از ابوهریره (رضی الله عنه) از پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) از آنچه از پروردگارش حکایت می کند. روایت شده که فرمود: چون بنده ای گناهی را مرتکب شده و گفت: خدایا گناهم را ببامرز. خداوند تعالی فرمود: بنده ام گناهی مرتکب شد و دانست که برای او پروردگاری است که گناهان را می آمرزد و به گناه می گیرد، سپس باز گشته گناه نمود و گفت: پروردگارا! گناهم را ببامرز، باز خداوند تبارک و تعالی می فرماید: بنده ام گناهی مرتکب شد و دانست که برای او پروردگاریست که گناه را می آمرزد و به گناه مواخذه می کند. باز هم گناه نمود و گفت: پروردگارا! گناهم را ببخش. باز خداوند تعالی می فرماید: بنده ام گناهی را مرتکب شد و دانست که او را خداوندیست که گناه را می بخشد و به گناه می گیرد. من برای بنده ام آمرزش نمودم پس هر چه می خواهد بکند.

(ریاض الصالحین، مجموعه گرانمایه از احادیث پیامبر بزرگ اسلام (ص)؛ جلد اول، تألیف: امام ابی زکریا یحیی بن شرف نووی دمشقی، حدیث شماره ۴۲۱ صفحه ۳۳۴)

"در تفسیر عسکری (ع) از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود: خداوند متعال می فرماید: بندگان من همه شما گنهگار هستید..... هر کسی معتقد باشد که من قادر به مغفرت هستم و از من طلب مغفرت کند او را می بخشم، و برایم گناهان او هیچ مهم نیست....." (کلیات حدیث قدسی، صفحه ۳۴۱)

"عباده (رض) روایت می کند که نبی اکرم (ص) فرمود: هر کسی گواهی بدهد هیچ معبودی به جز الله یگانه و بی همتاء وجود ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست، و عیسی بنده و فرستاده، کلمه و روح خداست که به مریم سپرده شده است و بهشت و دوزخ حق اند، عملش هر چه باشد خداوند وی را وارد بهشت خواهد کرد."

(مختصر صحیح البخاری، حدیث شماره ۱۴۱۵)

"ابوهریره (رض) می گوید: رسول الله (ص) فرمود: خداوند نود و نه اسم دارد، یعنی یکی کمتر از صد. هر کس که آنها را حفظ کند به بهشت می رود."

(مختصر صحیح البخاری؛ حدیث ۱۱۸۱)

"از ابوسعید سعد بن مالک بن سنان خدری (رض) مروی است که پیغمبر (ص) فرمود: در زمان های پیش از شما مردی بود که نود و نه نفر را کشته بود. از مردم پرسید که داناترین شما کیست؟ وی را به راهبی رهنمائی کردند. باز نزد راهب آمد و اعتراف نمود که او نود و نه نفر را کشته، آیا توبه وی قبول می شود؟ راهب گفت نه! آن شخص راهب را هم کشت و صد نفر را تکمیل کرد. بعد نزد یک نفر عالم رفت و اعتراف کرد که صد نفر را کشته آیا راهی برای پذیرش توبه موجود است. آن عالم گفت بلی. برو به سر زمین فلان و فلان در آنجا مردمی هستند که خدا را می پرستند.

تو هم با آن مردم عبادت کن و به سر زمین خویش میا، زیرا این سر زمین جای بدی است. آن مرد رفت و در نیمه راه مرگش فرا رسید. فرشتگان رحمت و عذاب بر سرش اختلاف کردند. ملائکه رحمت گفتند: این شخص توبه نموده و از دل به سوی خدا روی آورده است و ملائکه عذاب گفتند که هرگز او کاری خوبی انجام نداده. فرشته ای به صورت آدمی از راه در رسید و او را در میان خویش حکم و داور قرار دادند. وی گفت: هر دو زمین را اندازه بگیرد و به هر کدام که نزدیکتر بود از آنش به حساب آورید. آنها هم هر دو زمین را اندازه گرفتند و دیدند به سر زمین "مطلوبش" که قصد آن را داشته نزدیکتر است و ملائکه رحمت روحش را قبض کردند. و در روایتی در حدیث صحیح آمده: که خداوند به آن سرزمین بدکاران گفت دور شو و بدیگری (سرزمین نیکوکاران) گفت، که نزدیک شو و بعد فرمود: ببین حالا آن را اندازه بگیرد....." (ریاض الصالحین؛ حدیث شماره شما ۲۰، صفحه ۷۸)

اینکه تا چه اندازه این نقل قول ها در این کتاب ها صحت دارد مربوط می شود به "علمای" دینی که در این باره تحقیقات کنند و نظرات شان را ارائه بدارند. اما تا جایی که من اطلاع دارم، اکثریت "علمای" دینی کاملاً با این داستان ها و کتابها موافقت دارند.

حالا شما آقای ورک صاحب خود تان قضاوت کنید، که یک مسلمان دیندار که این موضوعات را در کتابهای بسیار معتبر اسلامی بخواند، دیگر چه ترس و وحشتی از روز مجازات (قیامت و دوزخ) می داشته باشد؟

ایا هنوز هم دلیلی باقی می ماند که ما از روز "جزاء" ترسی داشته باشیم!!؟

همچنان شما از آقای "آزاد. ل" خواسته اید که "نظرات ماتریالیستی خود را پیش خود نگاه کند و به غم اولاد وطن و آزادی وطن بیندیشد."، این حرف زمانی می تواند خوب و زیبا باشد که همه ما یک کمی در باور ها و عقاید خود تحقیقات و بررسی کنیم. یک کمی به عقب برویم و ببینیم که دلایل بد بختی ما در چه بوده. قسمیکه همه می دانیم که این "نظرات ماتر یا لیستی" قدامت چندانی در جامعه ما ندارند. اما بد بختی و عقب ماندگی "ضدیت با علم و معارف و سواد" خیلی سابقه طولانی دارد.

لذا این وظیفه هر انسان با خرد است که کمی "سر خود را به گریبان" خود فروبرد و بیندیشد که چه چیزی دلیل این همه بد بختی هایش می باشد. من کاملاً به این باورم که بسته کردن دهان مخالفان نمایشگر ضعف عقاید خود ما می باشد.

همچنان نوشته اید که "اگر کسی کمی هم به مردم کشور خود احترام داشته باشد باید به عقاید آنها هم احترام نماید....."

این سخن تان خیلی به جا و مناسب است. اما این سخن در همین جا تمام نمی شود. بلی، ما همه ما باید به عقاید سالم "مخالفان" خود احترام نمائیم. اما یک موضوعی که همیشه در بحث های "احترام به عقاید مردم"، به دست فراموشی سپرده می شود این است که ما هیچ وقت آنانی را که مخالف نظر سیاسی و یا عقیده دینی ما هستند، در زمره "مردم" حساب نمی کنیم. درست مثلیکه "پرچمی ها و خلقیها" می گفتند که "حالا مردم افغانستان قدرت سیاسی را از دست خاندان "محمد زائی" به دست گرفته اند". اما قسمی که شما خود تان هم می دانید آنان یعنی خلقی ها و پرچمی ها، نه تنها این که یک اکثریت بیش از ۹۵ در صد را که مخالف شان بودند، در زمره مردم حساب نکردند بلکه حتی به جان همدیگر هم افتادند. تره کی امین را دشمن مردم خطاب می کرد و امین تره کی را. و باز ببرک کارمل آمد و هر دو را دشمنان ملت افغانستان قلمداد کرد.

ما همیشه زمانی که از عقیده و یا باور های سیاسی "مردم" سخن می گوئیم، هدف ما عقیده و نظر خود ما است نه همه مردم. یعنی که دیگران باید به عقاید "من" احترام بگذارند. ما نباید تلفات و خساراتی را که به خصوص در سه دهه اخیر از "احترام" نگذاشتن به عقاید و نظرات دیگران، متحمل شده ایم، فراموش کنیم.

و همچنان نباید این نظر را تشویق کنیم که مخالفت های عقیدتی و یا سیاسی آدم ها کنار گذاشته شود. بلکه باید به شکل محترمانه همدیگر خود را در ابراز افکار و عقاید آزاد بگذاریم (به شرطی که توهین بی مورد به عقاید ما نشود) تا بدان وسیله بتوانیم نظرات و عقاید "خوب" خود را برای دیگران معرفی کرده و آنان را هم با خود هم نظر بسازیم. و اگر هم در جریان این بحث ها دریافتیم که ما نمی توانیم همه مردم را هم نظر خود بسازیم، باز هم موفق می باشیم چون با این شیوه حد اقل توانسته ایم خود و نظرات خود را زنده نگهداریم.

من کاملاً مطمئن هستم که شما هم این را می دانید که فقط نظرات "ماتریالیستی" نیست که مشکل خلق کرده باشد. بلکه ما مشکلات بیشتر از این هم داریم.

به طور مثال هرگاه احزاب "مجاهدین" قبل از تسلیم شدن قدرت از دولت نجیب، مخالفت های "عقیدتی" و سیاسی خود را، حتا اگر در میان خود شان هم حل کرده بودند، دیگر این اتفاقاتی، که منجر به کشته شدن صد ها هزار بیگناه شد و بعدش هم که به تجاوز پاکستانی ها و اعراب به نام طالبان انجامید، صورت نمی گرفت.

و این که چرا این آقایان این کار را نکردند دلایلش هم این بود که هر کدام از آنان فکر می کردند که حزب وی از طرف "خداوند" درست و به حق معرفی شده و لذا نباید دیگران را که "ناحق و ضد اسلام" هستند اجازه نفس کشیدن داد.

و بعد نتیجه اش را هم دیدیم که "چهارتا" پاکستانی و عرب آمدند و همه شان را تا ایران ، ترکیه و روسیه فراری ساخت.

شگفت آور تر از همه که اینان همه شان ادعا داشتند که از یک خدا و یک پیغمبر و یک کتاب مقدس پیروی می کردند.

"ماها" زمانیکه با حملات "ناخوشایند" در مورد عقیده دینی و یا مفکوره سیاسی خود روبرو می شویم، نباید دیگران را مورد حمله خشونت بار قرار داده و نظرات شان را ممنوع بسازیم. بلکه کوشش کنیم ، با دلایل درست در رد گفتار طرف مقابل بپردازیم.

بنا بر همین دلایل همه ما ضرورت به باز شناسی افکار و عقاید خود داریم. اگر ما کاملاً معتقد باشیم که نظر سیاسی و یا عقیده دینی ما به حق است دیگر نباید از انتقاد دیگران ترس و وحشت داشته باشیم. و یا نباید عقاید دیگران را ممنوع قرار بدهیم.

ما آدمها همیشه این تمایل را داریم که مسؤولیت همه بدبختی های خود را به دوش دیگران بیندازیم. به نظر من، ما باید این فرهنگ را در بین خود ایجاد کنیم که هر فردی اجازه ابراز عقیده و مفکوره خود را داشته باشد. و این وظیفه دیگران است که اگر مایل باشند می توانند با مدارک و اسناد درست نظرات و عقاید مخالفان خود را غلط ثابت کنند.

به نظر من مهمترین ابداع شیوه علمی و درست این است که ما باید از این پیش فرض حرکت کنیم که هر ایده ای باید مورد حمله انتقادی (نه از طریق جنگ و کشتار و توهین بی مورد) قرارگیرد. اگر قادر شود در برابر انتقادات ایستادگی کند زنده خواهد ماند. در غیر اینصورت از بین خواهد رفت.

به عقیده من این یگانه راهی است که ما را قادر خواهد ساخت تا به شکل واقعی اش هم به خود و "اولاد غمدیده وطن خود" و هم برای مردمان دیگر مصدر خدمتی شویم .

تا زمانیکه ما حاضر باشیم به خاطر حفظ عقیده سیاسی و یا دینی خود مخالفان خویش را به قتل برسانیم ، باید منتظر این هم باشیم که خود ما هم شاید توسط همان مخالفان از بین برده شویم. تاریخ شاهد این واقعیت است. موفقیت همه را در ایجاد این فرهنگ آرزومندم

جبار زمانی

۲۲ اگست ۲۰۱۱

یادداشت:

از این که نوشته آقای "زمانی" به نسبت تراکم کار ها به ویژه ویراستاری و پاسخ به ده ها و صد ها پیام تبریک از بابت سومین سالگرد تأسیس پورتال، به تعویق افتید، امید است بر ما ببخشایند.

شاد و پیروز باشید

اداره پورتال AA-AA